



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی کلام اسلامی

عنوان:

## سیر تطور مسئله عصمت امامان با تأکید بر شبهات

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین شانه‌چی زیدعزه

استاد مشاور:

دکتر سید مجید ظهیری زیدعزه

تدوین و نگارش:

اسماعیل اکبری

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

پدران و مادران شهدا

## تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای سبحان که نوشته حاضر حاصل توجهات خاصه حضرت حق تعالی و عنایات اهل بیت عصمت و طهارت<sup>A</sup> است.

جا دارد در ابتدای امر از تلاش‌های حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین شانه‌چی<sup>زیدعزه</sup> به عنوان استاد راهنما و همچنین از راهنمایی‌های ارزشمند دکتر سید مجید ظهیری<sup>زیدعزه</sup> به عنوان استاد مشاور تشکر کنم؛  
ارشادهای حکیمانه این بزرگان در اتمام این اثر به بنده کمک کرد.

از پدر و مادر بزرگواری که همیشه با دعاهای خیر خود یار و یاور بنده بودند، کمال تشکر را دارم. همچنین از  
همسرم به خاطر صبوری که از خود نشان دادند تا در عرصه علمی قدم بردارم قدردانی می‌کنم.

امید است که با دعای خیر این بزرگواریان عاقبتی شهادت گونه نصیب این جانب بشود.

## چکیده

عصمت امامان یکی از مسائل مهم کلامی است که آراء مختلف درباره آن ابراز شده است. یکی از چالش‌های اساسی مسئله عصمت این است که برخی پیدایش آن را بعد از ظهور و رشد علم کلام، توسط هشام بن حکم، متکلم بزرگ شیعه در زمان امام صادق دانسته‌اند؛ و برخی دیگر این اندیشه را به غالیان شیعه نسبت داده‌اند و معتقدند که در آموزه‌های دین این مسئله مطرح نبوده است؛ در این نوشتار سعی شده تا سیر تطور مسئله عصمت از صدر اسلام تا عصر حاضر، همراه با طرح شبهات و پاسخ آن‌ها با هدف ارائه دیدگاهی صحیح و آشنایی دقیق با فراز و نشیب‌هایی که در بستر تاریخ داشته با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای بررسی شود. نتیجه اثر حاضر این شده است که مفهوم دینی عصمت، مبدأ درونی و اصیل در آموزه‌های دین دارد و از همان دوران رسول خدا در آیات، روایات و ارتکاز ذهنی مسلمانان صدر اسلام وجود داشته است و آنچه به هشام بن حکم می‌توان نسبت داد، چگونگی تبیین و تحلیل مسئله عصمت است نه اصل نظریه عصمت؛ چراکه وی نظریه عصمت امام را به ادله عقلی و نقلی مدلل کرده است. همچنین روایات دوران حضور امامان<sup>Δ</sup> هم بیانگر مسئله ی عصمت است اگرچه در برخی دوران به خاطر شرایط سیاسی به جزئیات مسئله ی عصمت کمتر پرداخته شده است.

عصمت مبتنی بر علم و اراده معصوم است در نتیجه با اختیار و طبیعت انسان ناسازگار نیست و آنچه امامان<sup>Δ</sup> در ادعیه به گناهانی اعتراف و استغفار کرده‌اند از باب، حسنات الابرار سیئات المقربین، تعلیم و تعلم و طلب ظرفیت هست؛ چراکه استغفار همیشه به معنای توبه از گناه نیست بلکه بهترین دعاهاست.

**کلیدواژه‌ها:** عصمت، شبهات عصمت، امام، امامیه، تطهیر، هشام بن حکم.

## فهرست مطالب

### بخش اول: کلیات و مفاهیم

.....	فصل اول: کلیات
.....	مقدمه
.....	پرسش اصلی
.....	پرسش‌های فرعی
.....	فرضیه‌ها
.....	پیشینه تحقیق
.....	اهداف
.....	روش تحقیق
.....	فصل دوم: مفاهیم
.....	عصمت
.....	عصمت در لغت:
.....	عصمت در اصطلاح:
.....	واژه‌های معادل عصمت:
.....	الف. تطهیر
.....	ب. تنزیه
.....	قلمرو عصمت
.....	امام
.....	امامیه
.....	تطور

## بخش دوم: عصمت در عصر نبوی<sup>9</sup>

- ..... فصل اول: عصمت در قرآن
- ..... الف. آیه تطهیر
- ..... ب. آیه اولی اوامر
- ..... ج. آیه ابتلا
- ..... فصل دوم: عصمت در کلام نبی

## بخش سوم: عصمت در عصر حضور امامان<sup>Δ</sup>

- ..... فصل اول: عصمت از عصر امام علی تا امام باقر
- ..... مبحث اول: عصمت در عصر امام علی
- ..... گفتار اول: عصمت در کلام امام علی
- ..... گفتار دوم: شیعیان علوی و مسئله عصمت
- ..... مبحث دوم: عصمت در عصر امام حسن
- ..... مبحث سوم: عصمت در عصر امام حسین
- ..... مبحث چهارم: عصمت در عصر امام سجاد
- ..... فصل دوم: عصمت از عصر امام باقر تا شهادت امام رضا
- ..... مبحث اول: عصمت در عصر امام باقر
- ..... مبحث دوم: عصمت در عصر امام صادق
- ..... گفتار اول: عصمت در کلام امام صادق
- ..... گفتار دوم: مسئله عصمت در اندیشه هشام
- ..... مبحث سوم: عصمت در عصر امام کاظم
- ..... مبحث چهارم: عصمت در فرمایشات امام رضا
- ..... فصل سوم: عصمت در عصر جوادین و عسکرین
- ..... مبحث اول: عصمت در عصر امام جواد
- ..... مبحث دوم: عصمت در عصر امام هادی
- ..... مبحث سوم: عصمت در عصر امام حسن عسکری

## بخش چهارم: عصمت امام در عصر غیبت امام زمان

فصل اول: عصمت امام در غیبت صغری.....

مبحث اول: عصمت در توقیعات امام زمان.....

مبحث دوم: عصمت در اندیشه متکلمان مدرسه قم در عصر غیبت.....

عصمت در اندیشه صفار.....

عصمت در اندیشه شیخ کلینی.....

عصمت در اندیشه شیخ صدوق.....

فصل دوم: عصمت امام در غیبت کبری.....

مبحث اول: عصمت در اندیشه متکلمین مدرسه بغداد.....

عصمت در اندیشه شیخ مفید.....

۱. تعریف عصمت.....

۲. قلمرو عصمت.....

عصمت در اندیشه سید مرتضی.....

۱. تعریف عصمت.....

۲. قلمرو عصمت.....

عصمت در اندیشه ابوالفتح کراچکی.....

عصمت در اندیشه عبدالجلیل قزوینی.....

مبحث دوم: عصمت در اندیشه متکلمین مدرسه حله.....

عصمت در اندیشه خواجه نصیر الدین طوسی.....

۱. تعریف عصمت.....

۲. قلمرو عصمت.....

عصمت در اندیشه محقق حلی.....

عصمت در اندیشه ابن میثم بحرانی.....

۱. تعریف عصمت.....

۲. قلمرو عصمت.....



..... عصمت در اندیشه علامه حلی

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... عصمت در اندیشه فاضل مقداد

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... عصمت در اندیشه نجم الدین رازی

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... عصمت در اندیشه ابن مخدوم حسینی

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... مبحث سوم: عصمت در اندیشه متکلمین مدرسه اصفهان

..... عصمت در اندیشه فیض کاشانی

..... عصمت در اندیشه علامه مجلسی

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... عصمت در اندیشه محمدمهدی نراقی

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت

..... مبحث چهارم: عصمت امام در اندیشه متکلمین معاصر

..... عصمت در اندیشه قاضی نورالله شوشتري

..... 1. تعریف عصمت

..... 2. قلمرو عصمت امام

..... عصمت در اندیشه علامه بلاغی

..... عصمت در اندیشه علامه امینی

..... عصمت در اندیشه علامه طباطبائی.....

..... ۱. تعریف عصمت.....

..... ۲. قلمرو عصمت:.....

..... عصمت در اندیشه شهید مطهری.....

..... ۱. تعریف عصمت.....

..... ۲. قلمرو عصمت.....

..... عصمت در اندیشه آیت الله جوادی آملی.....

..... ۱. تعریف عصمت.....

..... ۲. قلمرو عصمت.....

..... عصمت در اندیشه آیت الله سبحانی.....

..... ۱. تعریف عصمت.....

..... ۲. قلمرو عصمت.....

### **بخش پنجم: شبهات مسئله عصمت و پاسخ به آنها**

..... شبهه اول: ناسازگاری عصمت امام با خاتمیت.....

..... شبهه دوم: ناسازگاری عصمت با اختیار.....

..... شبهه سوم: ناسازگاری عصمت با طبیعت انسان.....

..... شبهه چهارم: هشام بن حکم، مؤسس اندیشه عصمت امام.....

..... شبهه پنجم: ناسازگاری عصمت امامان با اعترافشان به گناه در ادعیه.....

..... منابع و مآخذ.....



بخش اول: کلیات و مفاهیم



## فصل اول: کلیات

مقدمه

تحقیق درباره اعتقادات شیعیان صدر اسلام و عصر ائمه و مقایسه با اندیشه‌های پذیرفته‌شده شیعیان عصر حاضر، از مباحثی است که در سال‌های اخیر بیشتر بدان توجه شده است. در این میان مسئله عصمت امامان<sup>Δ</sup> یکی از مسائل مهم کلامی است که آراء مختلف درباره آن ابراز شده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که مشروعیت امام را مشروط به این ویژگی دانسته‌اند. شبهاتی و سؤالاتی درباره اصل عصمت امام، تاریخچه و چگونگی و قلمرو آن از مباحثی است که مورد توجه متکلمین بوده است. در این نوشتار سیر تطور مسئله عصمت امامان<sup>Δ</sup> از عصر رسول خدا تا عصر حاضر با رجوع به آیات و روایات و شواهد تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آشنایی با سیر تطور مسئله عصمت افزون بر معرفت جایگاه امام و پاسخ‌گویی به شبهات، مانع اثرپذیری اندیشه‌های نادرست و نسبت ناروا به افراد به جهت علم کافی نداشتن در این زمینه می‌شود.

عصمت از دیدگاه متکلمان به معنای مصونیت معصوم از گناه و ایمن بودن وی از لغزش و خطاست. حال پرسش این است که آیا از مفهوم کلامی عصمت که امروزه رایج است، در قرآن و روایات سخنی به میان آمده است؟ آیا مسئله عصمت از صدر اسلام بین مسلمین رایج بوده است یا این که پیدایش آن بعد از ظهور و رشد کلام، توسط هشام بن حکم متکلم بزرگ شیعه در زمان امام صادق بوده است؟ آیا اندیشه عصمت به صورت اجمالی - چه از گناه و چه از اشتباه - در تعالیم و آموزه‌های دین وجود داشته یا این که این اندیشه از بیرون توسط غالیان شیعه به تعالیم اسلام وارد شده است؟

از آن جهت که عصمت، مسئله‌ای اعتقادی است و از همه بیشتر مورد توجه متکلمان بوده است؛ از این رو در این نوشتار بر نظریات متکلمان نامدار امامیه تأکید شده، هر چند که به دیدگاه‌های برخی از محدثان امامیه مانند علامه مجلسی به جهت عنایت خاص اشاره شده است.

این پژوهش در پنج بخش تنظیم شده است.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

بخش دوم: عصمت در عصر نبوی

بخش سوم: عصمت در حضور امامان

بخش چهارم: عصمت در عصر غیبت امام زمان

بخش پنجم: شبهات مسئله عصمت و پاسخ به آنها

پرسش اصلی

۱- آیا اندیشه عصمت امام، دچار تطورات و تحولات شده است؟

پرسش‌های فرعی

۱- اندیشه عصمت در عصر حضور امامان چگونه بوده است؟

۲- اندیشه عصمت در عصر غیبت امامان چگونه بوده است؟

۳- شبهات وارد شده بر عصمت امام آیا پاسخ صحیحی دارد؟

فرضیه‌ها

۱- مسئله عصمت از صدر اسلام در قرآن، روایات پیامبر روایات اهل بیت و ارتکاز ذهنی مسلمانان صدر اسلام

وجود داشته است؛ البته به اقتضای شرایط و زمان و مخاطب مجمل بیان شده است.

۲- مسئله عصمت در عصر حضور امامان، امری الهی دانسته شده و امامان از مصادیق معصومین هستند که از هر

گناه و اشتباه و لغزشی محفوظ هستند.

۳- مسئله عصمت در عصر غیبت امامان بیانگر این است که؛ از هر گناه و سهو و نسیانی در تبیین و عمل و امور

عادی، معصوم هستند، اگر چه علماء در قلمرو آن اختلاف داشته‌اند.

۴- شبهاتی که بر بحث عصمت وارد شده همگی نزد شیعه پاسخ مستدل دارد.

#### پیشینه تحقیق

نوشته‌های متقدمین درباره مسئله عصمت عبارت‌اند از، کتاب نقض الاشهاد نوشته ابن قبه؛ که با استفاده از اخبار متواتر و مشهور و چینش آن در قالب استدلال، به اثبات نظریه امامت منصوح و رد دیدگاه‌ها و شبهات زیدیه پرداخته است؛ و کتاب تنزیه الانبیاء سید مرتضی؛ که به بررسی و نقد نظریات معتزله و حشویه درباره عصمت پیامبران<sup>Δ</sup> پرداخته و غالباً درصدد توجیه آیات و روایات منافی با عصمت است.

برخی از نوشته‌هایی که در عصر حاضر به مسئله عصمت - اعم از عصمت انبیاء و امامان - پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: پژوهشی در عصمت معصومان (احمد حسین شریفی و حسن یوسفیان)؛ اندیشه کلامی عصمت (بهروز مینایی)؛ پاسخ به شبهات کلامی امامت (محمدحسن قدردان قراملکی)؛ پاسخ به چالش‌های فکری در بحث عصمت و امامت (رضا استادی)؛ عصمت شناسی و پاسخ به شبهات (حجت‌الاسلام قنبر علی صمدی). مکتب در فرایند تکامل (سید حسین مدرسی طباطبایی).

تفاوت این نوشتار با دیگر آثار، ارائه ساختاری نظام‌مند و منسجم با روش توصیفی با توجه به سیر تاریخی این مسئله از دیدگاه متکلمین شیعه از عصر رسول خدا تا عصر حاضر همراه با پاسخ به شبهات است. در حالی که نوشتارهای موجود در بعضی موارد نقص‌هایی دارند.

#### اهداف

۱. آشنایی دقیق با اندیشه عصمت و فراز و نشیب‌هایی که در سیر تاریخی داشته است.

۲. ضمن آشنایی با صاحبان و اقوال مختلف در این مسئله، به شبهات در این زمینه پاسخ داده شده است.

۳. ارائه مستندات علمی به جهت دفاع از وضعیت اندیشه اثناعشری در جهان معاصر.

۴. آشنایی با بستر تاریخی مسئله عصمت، از لحاظ کیفی و کمی.

۵. معرفت نسبت به منزلت امام که بعد اعتقادی باشد افزون پیدا می کند.

#### روش تحقیق

بدیهی است که روش علمی هر پژوهشی باید متناسب با موضوع و داده‌های آن باشد، لذا این تحقیق با روش توصیفی انجام می شود و به شیوه کتابخانه‌ای پیش می رود.

#### فصل دوم: مفاهیم

قبل از ورود به بحث، برای شناخت دقیق موضوع لازم است که مفاهیم مربوط به آن توضیح داده شود تا خواننده دچار اشتباه در موضوع نشود:

#### عصمت

##### عصمت در لغت:

عصمت از ریشه «عصم» به معانی منع، حفظ و نگه‌داری، به کار رفته است؛<sup>۱</sup> صاحب التحقیق هر دو قید حفظ و منع را در این ماده لحاظ کرده است.<sup>۲</sup> سایر لغت شناسان نیز همین سخنان را تکرار کرده‌اند که به همین اندازه اکتفا می شود. نتیجه این که عصمت به سه معنای، حفظ، نگهداری و منع به کار رفته است. در قرآن معنای «نگهداری» نیز برای آن ذکر شده است. خدای تعالی از قول فرزند نوح می فرماید: II قَالَ سَأُوۡىٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَّعَصِمُنِي مِنَ الْمَآءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ<sup>۳</sup> پسر نوح گفت؛ به کوهی پناه می برم که مرا از غرق شدن در آب حفظ کند، نوح گفت امروز هیچ نگه‌دارنده‌ای در مقابل امر خداوند وجود ندارد. در آیه‌ای دیگر

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵ ص ۱۹۸۶.

۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸ ص ۱۵۴.

۳. هود، ۴۳.

آمده است: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**<sup>۴</sup> آیه در این معنا ظهور دارد که اگر امت به حبل الله تمسک کنند، ریسمان خداوند سبحان آنان را از گمراهی مصون می‌دارد.

در نتیجه معنای «نگهداری» و «گرفتن» برای عصمت، شایسته‌تر از «مانع شدن» است. به همین خاطر راغب در مفردات، «الإعتصام» را به «الإستمساک» و «عصم» را به معنای «مسک» معنا کرده است. تفاوت این دو معنا در این است که «مسک» - یعنی گرفتن و نگهداری - اخصّ از «منع» است. گرفتن و نگهداری فردی که بالای کوه است، زمانی معنا دارد که از حرکت او به سمت پرتگاه ممانعت شود؛ اما «منع» در هنگامی است که شخص در معرض سقوط قرار گرفته باشد و به نحوی راه او سدّ گردد و از سقوط وی جلوگیری شود.

در نتیجه عصمت نیرویی است که انسان را از حرکت به سمت خطا باز می‌دارد، نه آن که فقط به هنگام لغزش مانع وی شود.

#### عصمت در اصطلاح:

تعاریف متعددی در میان متکلمان دارد که به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

#### ۱. لطف الهی

مرحوم شیخ مفید می‌گوید: عصمت لطفی است که خدای تعالی در حق مکلف روا می‌دارد؛ به طوری که وقوع گناه و ترک اطاعت از او ممتنع می‌گردد، هرچند که بر انجام آن قدرت دارد.<sup>۵</sup>

علامه حلی، عصمت را لطف پنهانی می‌داند که خداوند در حق بندگان انجام می‌دهد؛ به طوری که پس از آن برای آن شخص انگیزه‌ای برای ترک اطاعت از خداوند و انجام گناه وجود ندارد؛ با این که بر انجام قدرت دارند؛

۴. آل عمران، ۱۰۳.

۵. شیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان، *النکت الإعتقادیة و رسائل اخوی*، تحقیق: رضا مختاری، ص ۳۷.



چرا که اگر معصوم نباشد، به گفته‌های او اعتماد نمی‌شود و در نتیجه فایده بعثت از بین خواهد رفت و این (برای خداوند) محال است.<sup>۶</sup>

سید مرتضی، عصمت را لطفی می‌داند که خدای تعالی در حق بنده روا می‌دارد و بنده با وجود آن از عمل زشت خودداری می‌ورزد. پس گفته می‌شود خداوند به واسطه انجام عملی در آن شخص، وی را حفظ کرد تا با وجود آن، فرد معصوم روی گردانی از عمل زشت را برگزیند.<sup>۷</sup>

## ۲. ملکه نفسانی

بیشتر حکمای اسلامی و نیز برخی از متکلمان عصمت را ملکه<sup>۸</sup> نفسانی می‌دانند که وجود آن موجب می‌شود تا گناه از انسان صادر نشود. با این که قدرت بر ارتکاب گناه را دارد.<sup>۹</sup>

در اینجا مقصود از ملکه نفسانی، پدید آمدن حالتی برای نفس انسان است که با وجود چنین حالتی، این توانایی برای انسان فراهم می‌شود که به طور دائمی، مرتکب گناه و اشتباه نشود.

فاضل مقداد از متکلمان بزرگ شیعه، تعریف کامل تری ارائه می‌کند: «عصمت، لطفی است که خداوند متعال در شخص مکلف انجام می‌دهد؛ به گونه‌ای که با وجود آن، برای ترک طاعت یا انجام معصیت داعی ندارد، با این که بر آن قادر است؛ و این لطف با پیدایش ملکه‌ای برای آن مکلف که مانع از ارتکاب معاصی است، حاصل می‌شود. افزون بر این، وی نسبت به ثواب طاعت و عقاب معصیت، عالم است و از مؤاخذه بر ترک اولی و یا فعلی که فراموش کند، می‌ترسد».<sup>۱۰</sup>

۶. سیورحلی، مقداد بن عبدالله، *النافع بوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر*، ص ۸۹.

۷. سید مرتضی، *رسائل المرتضی*، ج ۲ ص ۲۷۷.

۸. ملکه: صفت راسخ نفسانی است که قابل زوال و تغییر نباشد. فرهنگ معین.

۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، *تلخیص المحصل*، ص ۳۶۹؛ نراقی، مهدی، *انیس الموحدین*، ص ۹۷؛ طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۱، ص ۱۶۷-

۱۶۵؛ سبحانی، جعفر، *الالهیات*، ج ۳، ص ۱۵۸.

۱۰. فاضل مقداد، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، ص ۳۱۰.

از مجموع این تعریفات دو نکته به دست می آید:

۱. عصمت، ملکه‌ای است نفسانی، منشأ الهی دارد و لطفی از جانب خداوند و به هر کسی که بخواهد اعطا خواهد کرد.

۲. کسی که معصوم است، مجبور به انجام ندادن گناه نیست؛ بلکه در عین حال، قدرت بر انجام گناه را دارد؛ اما به لطف و توفیق خداوند از آنجا آن خودداری می کند. همانند ما که از برخی گناهان؛ مثل برهنه رفتن به خیابان و... معصوم هستیم، با این که می توانیم و قدرت بر انجام را داریم.

واژه‌های معادل عصمت:

الف. تطهیر

تطهیر در لغت به معنای پاکی و تنزه و خویشنداری از گناه و معصیت است.<sup>۱۱</sup> طهارت دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس که عامه آیات قرآن کریم بر این دو معنا حمل می شود.<sup>۱۲</sup> در روایات تعبیر مطهّر مرادف با معصوم به کار رفته است. «المطهّر من العیب»<sup>۱۳</sup>، «المطهّر من الذنوب»<sup>۱۴</sup> بارها در مورد معصومین<sup>Δ</sup> نقل شده است. همچنین «تطهیراً» که در پایان آیه تطهیر به صورت مصدر ذکر شده، به تطهیر اهل بیت<sup>Δ</sup> مربوط می شود؛ بنابراین منظور از يُطهَرُكُمْ تَطْهِيراً آیه مورد بحث، تطهیر جسمی و روحی کامل اهل بیت<sup>Δ</sup> مورد خطاب است.

ب. تنزیه

این تعبیر معادل مفهومی عصمت نیز آمده است. سید مرتضی نام کتابی که برای عصمت انبیا و ائمه<sup>Δ</sup> نوشته؛ «تنزیه الانبیاء و الائمة» گذاشته است. در ادعیه و زیارات اهل بیت<sup>Δ</sup> مشتقات این واژه به کار رفته است. تعبیر

۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، ص ۹۷.

۱۲. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲۵.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۰۷.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

«المعصوم من الخلل... المنزه من الريب»<sup>۱۵</sup> در زیارت امام علی<sup>A</sup> و نیز در زیارت جامعه «المعصوم من کل خطا و زلل من کل دنس و حطل» و نیز «المنزه عن الماثم»<sup>۱۶</sup> آمده است.

#### قلمرو عصمت

عصمت دارای گستره عملی و علمی است که برای هر کدام بخش هایی وجود دارد:

مقصود از عصمت عملی این است که امام هرگز واجبی را ترک نمی کند و حرامی را انجام نمی دهد و در درجه بالاتر مستحب را ترک نمی کند و مکروه انجام نمی دهد.

مقصود از عصمت علمی این است که امام در آموزه های دینی به خاطر این که می خواهد مردم را راهنمایی کند، مرتکب خطا و اشتباه نمی شود، مرتبه بالاتر این که در تشخیص مصالح و مفاسد امور اجتماعی و سیاسی و امور عادی و معمولی زندگی معصوم است.

آیت الله جوادی آملی چنین بیان می کند که هر کس به مقام عصمت علمی برسد، به مرحله عقل مجرد و شهود محض دست یافته است. در این مرحله، وهم و خیال تابع عقل است و وسوسه های شیطان راه ندارد؛ زیرا مرتبه ابلیس مانند مجرد وهم و خیال در مرتبه ای پایین تر از رتبه عقل محض است. در باب عصمت عملی معتقد است که این عصمت متوقف بر عصمت علمی و نظری است؛ هر چند عصمت علمی و نظری آن ها متوقف بر عصمت عملی نیست؛ یعنی ثبوتاً تفکیک ممکن است.<sup>۱۷</sup>

در این نوشتار به عصمت امام از امور نفرت انگیزی که موجب سقوط شخصیت امام و مانع پذیرش سخنانش می شود، نیز پرداخته شده است.

<sup>۱۵</sup>. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۰۷.

<sup>۱۶</sup>. همان، ج ۹۹، صص ۱۷۸، ۱۹۱.

<sup>۱۷</sup>. جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، صص ۲۰۰-۲۰۱.

امام

امام در لغت

به معنای کسی است که از او پیروی و یا چیزی که در کارها به او اقتدا می‌شود و همچنین به معنای طریق و راه است.<sup>۱۸</sup> رهبری عمومی (ریاسه العامه) و رهبری مسلمانان (ریاسه المسین) نیز برخی لغت شناسان گفته‌اند.<sup>۱۹</sup> راغب امام را به معنای انسانی که به او در قول یا فعل اقتدا می‌شود آورده است؛ خواه این اقتدا بر حق باشد یا بر باطل. از نگاه او لغت امامت در قرآن بار ارزش خاصی ندارد؛ زیرا هم بر ائمه ایمان و کفر اطلاق شده است.<sup>۲۰</sup> در این آیات خداوند متعال پیامبران الهی را پیشوایانی که مردم را هدایت می‌کند معرفی می‌کند: وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ\* وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عِبْدِينَ.<sup>۲۱</sup> در آیه دیگر فرعون و سپاهش را پیشوایی که دعوتگر به آتش است معرفی می‌کند: جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.<sup>۲۲</sup>

امام در اصطلاح

نگاه متکلمان امامیه، به مسئله امامت فراتر از امور عادی و دنیوی و سیاسی و اجتماعی بوده و آن را یک امر الهی و آسمانی می‌دانند.

<sup>۱۸</sup>. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۰.

<sup>۱۹</sup>. بستانی، فواد افرا، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۲۷.

<sup>۲۰</sup>. راغب اصفهانی، الفاظ القرآن، ص ۸۷.

<sup>۲۱</sup>. انبیاء، آیات ۷۲-۷۳.

<sup>۲۲</sup>. قصص، ۴۱.